



تنها، آن هم تا حدی، با تاریخ کنگره در دو سه سال اخیر آشنا هستند. تعداد اندکی هم که تاریخ سال‌های پیش از آن را می‌دانند، شاید با مصلحت‌اندیشی، از ابراز آن پرهیز می‌کنند. چون با روایتی که منتقدان را به دروغ، حامی جنگ و تحریم معرفی می‌کند، منافات دارد. از این منظر، دانستن این پیشینه تاریخی، برای اعضای که علاقه مند هستند درکی غیرجانبدارانه و صحیح از اختلافات درون کنگره داشته باشند، ضروری است. برای این کار باید به دورانی برگردیم که هیئت مدیره کنگره به طور کامل، در دست گروهی موسوم به براندازان بود. در آن زمان هم انتقادات، حول همان اصول مورد تأکید منتقدان فعلی یعنی شفافیت، پاسخ‌گویی و رفتار غیرپارتیزان که موضوع بحث این مقاله است، شکل گرفت. من از زمانی صحبت می‌کنم که خانم‌ها آتوسا مهدویان، مهرداد هادی، و آقای شهرام تابع محمدی و من، نماینده منتقدین بودیم. نامه‌ها و بیانیه‌های آن دوران هم در آرشیو نشریه شهروند موجود است. بحث انتقادی در مورد جزئیات عملکرد هیئت مدیره‌های آن دوران و منتقدان از مجال این مقاله خارج است ولی آنچه مدنظر نگارنده است، انتقادهایی است که در آن زمان حول رفتار پارتیزان یا جناحی هیئت مدیره صورت می‌گرفت.

در باب غیرپارتیزان بودن کنگره ایرانیان کانادا بخش اول از دو بخش



تهیه و تنظیم توسط:
ارسلان کهنمویی پور، یکی از روسای سابق
کنگره ایرانیان (۲۰۱۵)

اصل غیرپارتیزان بودن (non-partisanship) مفهومی است که چند دهه است در نهادهای مدنی، اجتماعی، حقوق بشری در کشورهای دموکراتیک جا افتاده است. معنای این اصل، این است که نهاد مربوطه در فعالیت‌های خود طوری عمل می‌کند که جانب یک طرف یک مناقشه نظامی یا سیاسی را نگیرد. با این پس زمینه قرار دادن این اصل در اساسنامه کنگره ایرانیان کانادا توسط بنیانگذاران آن، امری بسیار پسندیده بوده است. البته در مورد خاص کنگره باید به بستر تاریخی این نهاد هم اشاره ای بکنیم. در زمانی که این نهاد بنیان گذاشته شد، جامعه ایرانیان کانادا تجربه ناموفق انجمن ایرانیان اونتاریو را پشت سر گذاشته بود. این نهاد به علت عدم رعایت این اصل، عملاً محل نزاع گروه‌های سیاسی، حول سیاست ایران شده بود و هر سال برای تصاحب و مدیریت این نهاد، گروه‌های سیاسی مختلف با لشگرکشی و پیروزی در انتخابات هیئت مدیره، برای یک سال بر این نهاد مسلط می‌شدند. این اختلافات شدید و مسائل مالی در نهایت، منجر به سقوط انجمن ایرانیان اونتاریو گردید. بدین ترتیب، بنیانگذاران، این اصل را برای جلوگیری از تبدیل این نهاد به محلی برای مناقشات سیاسی، در اساسنامه کنگره قرار

در آن زمان، همدانی ده فردای انتخاباتی در ایران ده بحثی از مردم ایران و ایرانیان کانادا، به درست یا به غلط، در آن شرکت می‌کردند، هیئت مدیره، بیانیه می‌داد که انتخابات در ایران، غیرآزاد و غیرعادلانه است (که حرف کاملاً درستی است) ما منتقد بودیم که اولاً انتخابات ایران، خارج از حوزه کاری کنگره است و ثانیاً به خاطر اینکه دیدگاه‌های مختلفی حول موضوع انتخابات ایران وجود دارد، کنگره به علت ماهیت غیرپارتیزان یا غیرجناحی خود، نمی‌تواند بیانیه ای یک‌جانبه در این مورد بدهد. فکر می‌کنید پاسخی که از هیئت مدیره و حامیان آنها گرفتیم چه بود؟ اولاً مهم‌ترین وظیفه کنگره حمایت از منافع ایرانیان کانادا است و سرنوشت جمهوری اسلامی و یا تضعیف آن، در راستای منافع ایرانیان کانادا است. ثانیاً در آخرین انتخابات کنگره، اعضا ما را انتخاب کرده‌اند و ما حق داریم از جانب آنها تصمیم بگیریم و عمل کنیم. بروید نیرو جمع کنید و در انتخابات بعد شرکت کنید!

نمونه دیگری که بسیار مطرح می‌شود، مسئله بسته شدن سفارت است. برخلاف آنچه برخی عنوان می‌کنند، هیئت مدیره کنگره در آن زمان، نقشی در بسته شدن سفارت نداشت، بلکه دولت هارپر، بدون دخالت جامعه ایرانیان کانادا این کار را انجام داد. ولی پس از آن، او تعدادی از افراد حامی را در جلسه‌ای جمع کرد تا نشان دهد که حمایت اعضای جامعه ایرانیان کانادا را هم دارد. در آن زمان، تعدادی از اعضای هیئت مدیره در ظرفیت شخصی، پتیشنی (طومار امضا) برای تشکر از دولت هارپر درست کردند و در گردهمایی‌های مختلف از اعضای کامیونیتی، برای آن امضا جمع می‌کردند. ما در آن زمان معترض بودیم که هر چند این افراد در ظرفیت شخصی این کار را می‌کنند، ولی به علت غیرپارتیزان یا غیرجناحی بودن کنگره، اعضای هیئت مدیره، نباید رهبری جانبدارانه و یکسویه، از یک طرف موضوع چنین بحث برانگیزی را بر عهده بگیرند.

خوانندگان با موضوعات چند سال اخیر، یعنی عملکرد هیئت مدیره در مورد مسائلی چون بازگشایی سفارت و برقراری روابط دیپلماتیک بین ایران و کانادا و حمایت از برجام و رفع تحریم، آشنایی بیشتری دارند. پیش از پرداختن به آنها نگاهی بیاندازیم به اینکه اصولاً هیئت مدیره چگونه می‌تواند بر خوردی غیرپارتیزان یا غیرجناحی، نسبت به مسائل مناقشه برانگیز داشته باشد. برخی از اعضای کنگره و کامیونیتی، بر این نظر هستند که اصولاً هیئت مدیره نباید سراغ چنین موضوعاتی برود. اما به نظر من، حداقل دوراه دیگر برای برخورد با چنین موضوعاتی، متصور است که در ادامه، به آن می‌پردازم.

هر چند از نظر قانونی اساسنامه انگلیسی کنگره (مطابق اساسنامه اش) بر ترجمه فارسی آن ارجحیت دارد، بنیانگذاران در ترجمه فارسی، از واژه غیرحزبی استفاده کردند که منشأ برخی سوءتفاهم‌ها در سال‌های بعد شده است. البته مشکل معادل‌گزینی، یک مسئله اساسی است که معمولاً راه حل بی‌نقصی ندارد. از یک منظر، خود معادل، چندان اهمیتی ندارد به شرطی که مفهومی که قرار است برایش معادل برگزینیم، برای کاربران جا افتاده باشد. عبارت غیرحزبی می‌تواند منجر به خوانشی بسیار محدود شود که بر اساس آن، تنها اشاره به احزاب سیاسی کانادا است. البته در بسیاری موارد، همین خوانش محدود کفایت می‌کند. مثلاً اگر یک نهاد برای حفظ محیط زیست در کانادا و یا دسترسی کودکان بومی به آموزش زبان‌های بومی فعالیت می‌کند، استفاده از مفهوم غیرحزبی برای غیرپارتیزان، مناسب است.

چون در این چارچوب، تنها طرف‌های مناقشه، همان احزاب سیاسی کانادا هستند و کافی است این نهادها تضمین کنند که جانب‌داری حزبی ندارند. اما مفهوم غیرپارتیزان در شکل کلی، فراتر از جانب‌داری از احزاب سیاسی یک کشور است که همه طرف‌های درگیر موضوع مورد مناقشه را در برمی‌گیرد. از این جهت، استناد هیئت مدیره‌های چند سال اخیر به این خوانش، از اساس نادرست است. شاید می‌شد در یافتن معادل، دقت بیشتری صورت گیرد. به گمان من، واژه غیرجناحی یا عدم جانب‌داری سیاسی، معادل‌های مناسب تری هستند ولی از آن مهم‌تر، دقت و ژرف نگری این مفاهیم برای جامعه است.

به علت فقدان تجربه کافی جامعه ما در کنش‌گری اجتماعی، این مفاهیم باید در اساس‌نامه دقت بیشتری می‌شد که تا برای سال‌هایتمادی، منشأ اختلافات جدی، میان اعضای نهاد و جامعه بزرگ‌تر نشود. شکی نیست که بنیان‌گذاران کنگره، بیش از هر چیز نگران این بودند که کنگره منشأ مناقشات سیاسی حول سیاست داخلی ایران شود و به همین دلیل، این اصل را در اساسنامه قرار دادند. اکنون پس از چهارده سال، هر فرد منصفی می‌پذیرد که این نگرانی، کاملاً موجه بوده است!

اما بد نیست نگاهی به تاریخچه انتقادات از هیئت مدیره در مورد رفتار پارتیزان یا جناحی بیاندازیم. بیشتر اعضای کنگره ایرانیان کانادا، به خصوص در سوی حامیان پویش،